زمان،
فراغت
و به‌زیستی

سرشناسه: زوزانک، یرژی Zuzanek, Jiri
عنوان و نام پدیدآور: زمان، فراغت و بهزیستی/نویسنده: ییری زوزانک؛ مترجم: یاسر خوشنویس.
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۶۲۸ ص.: جدول.
شابک: ۲-۲۴-۵۵۷۱-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Time, leisure and well-being, 2021.
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: مدیریت زمان -- مطالعات میان‌فرهنگی Time management -- Cross-cultural studies
اوقات فراغت -- مطالعات میان‌فرهنگی Leisure -- Cross-cultural studies
بهزیستی -- مطالعات میان‌فرهنگی Well being -- Cross-cultural studies
شناسه افزوده: خوشنویس، یاسر، ۱۳۶۱ - ، مترجم
رده بندی کنگره: HD۶۹
رده بندی دیویی: ۶۵۰/۱۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۴۹۲۶۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

شکوفایی

زمان، فراغت و به‌زیستی

دوگانهٔ کار و فراغت

از گذشته تا اکنون

پیری زوزانک

ترجمهٔ یاسر خوشنویس

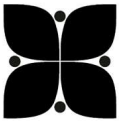

عنوان: زمان، فراغت و به‌زیستی

نویسنده: ییری زوزانک

مترجم: یاسر خوشنویس

دبیر مجموعه: هادی صمدی

مدیر تولید: بهزاد عبدی

طراح جلد: پرویز بیانی

صفحه‌آرا: سیده سمانه حسن‌زاده

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

قیمت: ۶۵۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۲۴-۲

موسسه فرهنگی دیدگاه کاوش و سازندگی(دُکسا)

نشانی: ایران، تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

تلفن: ۰۲۱۵۴۹۳۲۲۲۲ Email: publication@doxa-v.org

www.doxa-v.org doxa__vision

برای تامارا

فهرست

سخن ناشر ۱
معرفی نویسنده..... ۳
مقدمهٔ مترجم..... ۵
معرفی کتاب..... ۷
قدردانی ۹
مقدمه ۱۱

بخش ۱: فراغت، کار و به‌زیستی از منظری تاریخی

۱: فراغتی که هرگز پیش‌تر وجود نداشت: چشم‌اندازی تاریخی ۲۱
۲: افلاطون دوست فراغت یا دشمن آن؟..... ۲۹
۳: ارسطو: فیلسوف فراغت و شادکامی..... ۵۵
۴: فراغت در روم باستان: اوتیوم و نان و سیرک..... ۷۳
۵: سنکا: فیلسوف آرامش و غم ۸۷
۶: از درهٔ اشک تا نوزایی ۹۹
۷: اگوستین قدیس: فراغت و به‌زیستی در شهر زمینی و شهر خدا..... ۱۰۵

۸: توماس آکویینی: زندگی فعالانه یا زندگی متأملانه؟ ۱۱۵
۹: کار و فراغت در آرمان‌شهر تامس مور ۱۲۵
۱۰: جستارهای مونتنی و تأملات پاسکال: در باب تفریح و... ..... ۱۴۳
۱۱: دیدگاه روشنگری دربارهٔ کار، فراغت و فنون ۱۷۱
۱۲: آدام اسمیت: سرمایه‌داری با وجهه‌ای انسانی؟ ۱۸۱
۱۳: قرن نوزدهم... آیا هیچ‌وقت عصری طلایی وجود داشت؟ ۲۰۷
۱۴: آلکسی دو توکویل: چرا آمریکایی‌ها به‌رغم رونق ۲۱۵
۱۵: کارل مارکس: میان «قلمرو آزادی» و «ضرورت مادی» ۲۴۳
۱۶: امیل دورکیم: در باب کار، فراغت و آنومی ۲۶۳
۱۷: ماکس وبر: در باب اخلاق کار، فراغت و افسون‌زدایی ۲۸۹
۱۸: تورستن وبلن: از اخلاق کار به مصرف متظاهرانه ۳۱۵
۱۹: قرن بیستم: خداحافظی با «دوران زیبا» ۳۲۹
۲۰: یوهان هویزینگا: گونهٔ بازیکن ۳۳۳
۲۱: پیتریم سوروکین: تقاطع فرهنگ‌های ایده‌ای و حسی ۳۴۹
۲۲: یوزف پیپر: دفاع از زندگی متأملانه ۳۷۱
۲۳: هانا آرنت: در باب «شرایط بشری» ۳۸۳
۲۴: از میدل‌تاون تا جماعت تنها ۳۹۹
۲۵: تحقیقات فراغت در دیروز و امروز: به کجا؟ ۴۲۷

بخش دوم: فراغت، کار و به‌زیستی در جهان امروز

۲۶: چه اتفاقی برای جامعهٔ فراغت‌مند افتاد؟ دو سناریو ۴۴۵
۲۷: رابطهٔ میان کار و فراغت: «دست بالای کار»؟ ۴۷۵
۲۸: فراغت و وجههٔ اجتماعی: چشم و هم‌چشمی با دیگران ۵۰۵
۲۹: مزایا و معایب «دموکراتیک‌سازی فرهنگ» ۵۲۹
۳۰: در باب شادکامی، فراغت و ثروتمندی ۵۶۳
خاتمه ۵۹۵
نمایهٔ اعلام ۶۰۹
نمایهٔ موضوعی ۶۱۳

سخن ناشر

از جمله پرسش‌های پیشِ روی انسان مدرن این است که چگونه زندگی‌ای ارزش زیستن را دارد. از مقبول‌ترین پاسخ‌ها به این پرسش این است: زیستی که در راه «شکوفایی» انسان باشد، بالاترین «رضایت» و «سرور» را برای انسان به همراه دارد، و بنابراین مقارن با «به‌زیستی» است. هرچند چنین پاسخی پذیرفتنی است، اما در دل خود پرسش‌های فراوانی را به همراه دارد. منظور از مفاهیم «رضایت»، «شادکامی»، «به‌زیستی»، «سرور» و «شکوفایی» چیست؟ به چه میزان تحقق این مفاهیم به شرایط درونی فرد ربط دارد و به چه میزان وابسته به روابط میان‌فردی و شرایط اجتماعی است؟ نقش عوامل اقتصادی، سیاسی و محیط‌زیستی در تحقق آن‌ها چیست؟ آیا پاسخ‌هایی که در دهه‌های گذشته به این پرسش‌ها داده می‌شد برای انسان امروزی که ساعاتی از زندگی‌اش را در جهان مجازی و شبکه‌های اجتماعی سیر می‌کند، به همان شکل گذشته صادق است؟ چگونه باید پاسخ‌های گذشته را روزآمد کرد؟

گاه می‌توان با تغییراتی کوچک و ساده به نتایجی بزرگ رسید. در سطح فردی می‌توان با شناسایی و حذف برخی الگوهای فکری و رفتاریِ نادرست، فرد را در مسیر شکوفایی قرار داد. در سطح میان‌فردی بسیاری از مشکلات راهکارهایی ساده دارند. نکتهٔ اساسی اینجاست که سادگی این راهکارها به معنای سادگی در اجرای آن‌ها نیست. تغییر عادت‌ها فرایندی

زمان‌بـر و گاه بسـیار سـخت دارد و نیازمند آموزش اسـت. بـه همین دلیل، کتاب‌هایی که وعدهٔ موفقیت و شادکامی در چند جلسه و گاه چند ساعت را می‌دهند، وعده‌هایی پوچ را عرضه می‌کنند.

در سـطح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز به تغییر نگرش‌های اساسی نیاز اسـت. طی دهه‌های اخیر، جنبش‌های سیاسی و اقتصادی، در پی یافتن راه سومی در میان نگرش‌های رایج چپ و راست، شکل گرفته‌اند و کتاب‌های سیاسـت و اقتصاد شـادکامی بخش مهمـی از ادبیات این حوزه‌هـا را به خود اختصاص داده‌اند. طرح راهکارهای ایجابی در زمینه‌سـازی اجتماعی، برای شکوفایی آحاد مردم جامعه، یکی از اهداف مجموعهٔ شکوفایی است.

مجموعهٔ شـکوفایی، در موسسـهٔ فرهنگی دُکسـا، در صـدد پرداختن به چنین موضوعاتی اسـت و برای نزدیک شـدن به پاسـخِ پرسـش‌هایی از این دست، انتشار کتاب‌هایی به‌دقت انتخاب‌شده را در دستور کار خود قرار داده است. همچنین، برگزاری کارگاه‌هایی متمایز در سطح شکوفایی فردی، یکی دیگر از اهداف مهم این مؤسسه است.

(برای آگاهی از کارگاه‌ها و فهرستی از کتاب‌های این مجموعه می‌توانید به وب‌سایت www.doxa-v.org مراجعه کنید.)

شـکوفایی انسـان و راه رسیدن به شـادکامی فرایندی بس پیچیده‌تر از آن اسـت که دعوی آن را داشته باشـیم، اما راه‌حل‌های میان‌بری برای رسیدن به انتها در اختیار ما است. با این حال آن‌قدر می‌دانیم که راهکارهای احتمالی محصـول هم‌افزایـی اندیشه‌هاسـت. بـه همین دلیـل جمعی از فیلسـوفان، روان‌شناسـان، جامعه‌شناسـان، اقتصاددانان و اندیشـمندان دیگر حوزه‌ها را گرد هم آورده‌ایم تا فضایی برای اندیشـیدن در باب شکوفایی انسان را شکل دهیم. مسـیری بی‌انتها؛ که گام نهادن در آن گام برداشـتن در مسیر به‌زیستی است. شکوفایی محصول نهایی نیست؛ طی طریق کردن است.

میلاد حسینیان

معرفی نویسنده

ییری زوزانِک استاد ممتاز و بازنشستهٔ دانشگاه واترلو در کاناداست. وی قبلاً در دانشگاه‌های لوند در سوئد، دانشگاه کوینز در نیویورک و دانشگاه وسترن اونتاریو در کانادا تدریس می‌کرد. وی همچنین مدیر تحقیقات مرکز اروپایی فراغت و آموزش یونسکو در پراگ بود. وی تحقیقات مبسوطی را در زمینهٔ جامعه‌شناسی فراغت و فرهنگ عامه‌پسند، استفاده از زمان، فشار زمانی، استرس و سلامت انجام داده و آثار متعددی را در این زمینه نگاشته است. از جمله آثار وی می‌توان به *تحقیقات اجتماعی و سیاست فرهنگی* (۱۹۷۹)، *کار و فراغت در اتحاد شوروی* (۱۹۸۰)، *مشارکت جهانی در فراغت* (ویراستاری مشترک، ۱۹۹۶)، *اثرات استفاده از زمان و فشار زمانی بر روابط کودک و والدین* (۲۰۰۰) و *زمان آزاد و مشارکت در فراغت: چشم‌اندازهای بین‌المللی* (ویراستاری مشترک، ۲۰۰۵) اشاره کرد.

مقدمهٔ مترجم

کار و فراغت از مضامین همیشگی در زندگی بشر بوده‌اند. این دو مضمون شاید چنان ملموس و انضمامی‌اند که به‌طور نسبی، کمتر در مرکز مطالعات نظری و فلسفی قرار گرفته‌اند. با این حال، نویسندگان و متفکران مختلفی در اعصار متفاوت در این‌باره اندیشیده و نگاشته‌اند و پرداختن به آراء آن‌ها می‌تواند به دست یافتن به درکی بهتر از این موضوعات پرتکرار در زندگی‌مان کمک کند.

ییری زوزانک، از پیشروان مطالعات فراغت و استاد ممتاز دانشگاه واترلو، در کتاب حاضر در دو بخش به کار و فراغت و نسبت آن‌ها با به‌زیستی می‌پردازد. در بخش اول کتاب، او مروری تاریخی را از دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ نسبت کار و فراغت از دورهٔ باستان تا دورهٔ معاصر پی می‌گیرد و توضیح می‌دهد که چگونه فراغت در تلقی باستانی آن با وقت آزاد یا هدردادنیِ کنونی تفاوت دارد و امری والا به شمار می‌رفته است. او همچنین، تحولات مربوط به تلقی از فراغت و کار را در اروپای پس از اصلاح دینی تا شکل‌گیری طبقه فراغتمندِ قرن بیستمی می‌کاود. در بخش دوم کتاب، زوزانک مجموعه‌ای از مطالعات کمّی خود را که طی دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ انجام شده‌اند، در پرتو مفهوم‌پردازی‌های انجام‌گرفته در طول کتاب مورد تحلیل قرار می‌دهد و سعی می‌کند تصویری از نسبت

کار و فراغـت در جوامع معاصر آمریکای شـمالی ارائه کنـد. به این ترتیب، کتـاب حاضر هم از حیث تاریخ ایده‌ها و هم از حیث مطالعات اجتماعی، براساس روش‌شناسی‌های معاصر، شایان توجه خاص است.

از دوسـت عزیزم، دکتر هادی صمدی که مدیریت مجموعهٔ «شکوفایی و به‌زیسـتی» را بـه عهـده دارد و با توجـه به علاقه‌ام به حـوزهٔ تاریخ ایده‌ها و برخـی تجاربم در این زمینه، این کتاب را برای ترجمه پیشـنهاد کرد، بسـیار ممنونـم. همچنیـن، باید از جناب میلاد حسـینیان به خاطر شجاعتشـان در پرداختـن به نشـر کتـاب در این زمانهٔ پیچیده و دشـوار قدردانـی کنم. نیز از دسـت‌اندرکاران انتشـارات دُکسـا، خصوصاً سـرکار خانم گودرزی، به دلیل تلاش‌ها و دقت نظرشان در پیشبرد امور ترجمه و نشر تشکر می‌کنم.

این کتاب را زمانی ترجمه می‌کردم که به دلیل بیماری عملاً خانه‌نشـین بودم و نمی‌توانستم به کار دیگری بپردازم. به این ترتیب، کتاب حاضر علاوه بـر آنکـه آموزنـده و گیرا بود، بـه همنشـینی خوش‌آیند در آن دوره بدل شـد. امیـدوارم کتـاب مورد توجه قـرار گیرد و پرتوی بر درک مـا از کار و فراغت و نسبت آن با به‌زیستی بیفکند.

یاسر خوشنویس

اردیبهشت ۱۴۰۲

معرفی کتاب

اهمیت کار و فراغت به‌عنوانِ عناصری از تاروپود اجتماعی ما فلاسفه و متخصصان علوم اجتماعی را مدت‌ها به خود مشغول کرده است. این مطالعهٔ بلندپروازانه و جدید دیدگاه‌هایی تاریخی دربارهٔ کار و فراغت را همراه با شواهدی مبتنی بر پیمایش‌های معاصر دربارهٔ استفاده از زمان و به‌زیستی مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب با درآمیختن تحلیل نظری با تحقیقات تجربی، استدلالی متفاوت با دیدگاه‌های رایج را پیش می‌نهد که فراغت را چالشی جدی و برانگیزاننده، و نه خیر یا مزیتی بی‌قیدوشرط تعریف می‌کند. این کتاب متنی کلیدی برای هرکسی است که به مفهوم زمان در علوم اجتماعی، توازن میان کار و زندگی، مطالعات سازمان یا تاریخ، فلسفه و جامعه‌شناسی کار و فراغت علاقه دارد.

قدردانی

در اینجا، مناسب است قدردانی خودم را نسبت به افراد و نهادهایی که در شکل‌گیری و بسط این کتاب نقش داشتند، ابراز کنم. این فهرست طولانی خواهد بود و قدردانی‌ها در متن آمده است. اما مایلم در اینجا از همسرم تامارا که این کتاب را به او تقدیم کرده‌ام و دختر و نوه‌ام ناتاشا و الگزاندر گراهام تشکر کنم که عمیقاً مدیون پشتیبانی و کمک آن‌ها هستم.

مقدمه

رابـرت نیزبـت[1] در کتـاب سـنت جامعه‌شـناختی (۱۹۶۶)، حیـن تحلیـل اندیشـهٔ جامعه‌شـناختی گذشـته و حال، طرحی را از مفهـوم ایده‌های یکه[2] در جامعه‌شناسـی مطرح می‌کنـد. ایده‌های یکه نقاط محـوری دغدغه‌های اجتماعی‌اند که تفسیرهایی متعارض را پدیدآورده و می‌آورند و به‌این‌ترتیب، بـه اندیشـهٔ جامعه‌شـناختی حیات و انسـجام می‌بخشـند. نیزبـت به‌عنوانِ نمونه‌هایی از ایده‌های یکه در جامعه‌شناسی قرن نوزدهم، به ازخودبیگانگی، نقـش اجتمـاع و رابطهٔ میان امر مقدس و امر سـکولار اشـاره می‌کند. به‌نظر نیزبت، معیارهای متعددی باید برقرار باشند تا ایده‌ای را ایده‌ای یکه بدانیم. چنین ایده‌هایی باید عمومیت داشـته باشـند، به گذشته و حال مربوط باشند و بتـوان آن‌هـا را در آثار اذهان برجسـتهٔ یک عصر تشـخیص داد. همچنین، ایده‌های یکه باید به یک حوزهٔ مطالعاتی مشخص اختصاص داشته باشند و بینش را با مشاهده ترکیب کنند(ص. ۵).

در کتابی که در دسـت دارید، سـعی کرده‌ام مفهوم ایدهٔ یکهٔ نیزبت را در مطالعهٔ تاریخی کار و فراغت به کار بگیرم؛ یعنی دو مفهومی که به گفتهٔ بنت برگر[3]، «تنها در برابر یکدیگر، معنایی جامعه‌شناختی دارند»(۱۹۶۳:۲۸).

1. Robert Nisbet
2. unit-ideas
3. Bennet Berger

تلاش برای شناسایی ایده‌های یکه‌ای که در مطالعهٔ فراغت و کار غلبه دارند، نشان می‌دهد که بحث دربارهٔ این پدیده‌ها از نظر تاریخی حول چند موضوع کلیدی و مناقشه‌برانگیز شکل گرفته است؛ موضوعاتی مانند (۱) نقش فراغت و کار در شکل دادن به هویت انسانی؛ (۲) نقش فراغت و بازی به‌عنوانِ خاستگاه‌های پایداری اجتماعی؛ (۳) نقش فراغت و کار به‌عنوانِ محرک‌های نوآوری و تغییر اجتماعی؛ (۴) تقسیم کار و اثرات از خود بیگانه‌کنندهٔ آن بر فراغت (سرریز یا جبران)؛ (۵) تأثیر فراغت بر تشدید یا کاهش نابرابری‌های اجتماعی؛ (۶) روندهای آتی در تخصیص فراغت (آیا در «جامعه‌ای فراغت‌مند» زندگی می‌کنیم یا در یک «طبقهٔ فراغت‌مند پریشان»؟)[1] و (۷) نقش فراغت و کار در به‌زیستی.

درحالی‌که بیشتر این موضوعات غالباً در حوزهٔ جستار جامعه‌شناختی قرار می‌گیرند، علاقه به رابطهٔ میان فراغت و به‌زیستیِ سوبژکتیو میان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مشترک است.

کتاب حاضر به رابطهٔ میان فراغت، کار و به‌زیستی می‌نگرد. ابتدا از منظری تاریخی با بررسی دیدگاه‌های متعارضِ اذهان پیش‌رو در گذشته و سپس، با بررسی اینکه رویکرد «ایده‌های یکه» چه چیزی دربارهٔ رابطهٔ میان کار و فراغت در جهان امروز به ما می‌گوید. این کار بر اساس تحلیل داده‌های پیمایش‌های معاصر انجام خواهد شد. نویسندهٔ کتاب در انجام این پیمایش‌ها سهیم بوده است.

مرسوم نیست که نویسندهٔ یک اثر در ابتدای متن، موضع اصلی خود را آشکار سازد. این کار معمولاً در خاتمهٔ کتاب انجام می‌گیرد. اما دست به این کار می‌زنم تا موضعم را دربارهٔ رابطهٔ میان کار و فراغت واضح سازم؛ موضعی که همواره با تفسیر جریان غالب همخوانی ندارد.

---

۱. در اینجا، نویسنده به عنوان‌های دو اثر از تورستن وبلن و استفان لیندر اشاره می کند که در ادامهٔ کتاب مورد بحث قرار خواهند گرفت. ـ م

بر اساس تحلیل‌هایی که در این کتاب گزارش شده‌اند، کار و فراغت در قالب همزادهایی به‌هم‌مرتبط مطرح می‌شوند. کار، به رغم اوج و فرودهایی که در ارزش‌گذاری آن پیش آمده، چه به‌عنوانِ پیشه[1] و چه به‌عنوانِ کار ازخودبیگانه شده، با توجه به تحلیل‌های تاریخی، همچون چسبی پدیدار می‌شود که جامعه را گِرد هم نگاه می‌دارد. گاه کار تحمیل می‌شود و گاه آزادانه است. برای برخی زحمت است و برای برخی لذت؛ و به‌رغم تفاوت‌هایی که این دو با یکدیگر دارند، کار همچون نوعی پیوند اجتماعی عمل می‌کند. کار نه‌تنها در امنیت اقتصادی و بقای فردی ما سهیم است، بلکه سهمی (اختیاری یا اجباری) در به‌زیستی خانواده یا اجتماع و نیز کل بشریت دارد.

کار عنصری مهم در پایداری اجتماعی و پیشرفت تدریجی اقتصادی و اجتماعی است. چه از این امر آگاه باشیم و از کار استقبال کنیم و چه رویکردی انتقادی در قبال آن داشته باشیم، کار همچون نوعی پیوند عمل می‌کند. بدون کار، جامعه از هم خواهد پاشید. دوباره، از بنت برگر نقل‌قول می‌کنم:

> ما دیگر احساس نمی‌کنیم که بیکاری گناه است، اما هنوز به نحوی از انحاء انتظار داریم که کار باید محتوایی اخلاقی داشته باشد و هنگامی‌که درمی‌یابیم محتوای اخلاقیِ بخش بزرگی از کار صنعتی ناپدید شده، احساس می‌کنیم که فریب خورده‌ایم، یا حتی شاید تا حدی به ما خیانت شده است.

به‌طورخلاصه، برگر نتیجه می‌گیرد که ما شهروندان یونانیِ اهل مصالحه‌ای هستیم که به فراغت میل داریم، اما بار اخلاق پروتستانی،که در مورد آن هم مصالحه شده، بر دوش ماست(۱۹۶۳: ۲۷)[2].

---

1. vocation

۲. مقصود نویسنده این است که موضع کنونی ما در خصوص کار هم با موضع یونانیان و هم با موضع پروتستان شباهت‌هایی دارد، اما دقیقاً هیچ‌یک از آن‌ها نیست. این دو موضع در ادامهٔ کتاب به تفصیل بررسی خواهند شد. ـ م

فراغـت نقشـی متفـاوت را در زندگی شـخصی ما و نیز، بـا همان درجه از اهمیـت، در زندگـی جامعـه ایفـا می‌کنـد. فراغت و بازی خاسـتگاه‌های نوآوری، تغییر و در مواردی، خاسـتگاه‌های اختلاف‌نظرند. فراغت نشـانگر حوزهٔ آزادی بالقوه در زندگی بشـری اسـت. در این حوزه اسـت که ما دربارهٔ نیازهـای مادی‌مان تردید می‌کنیم و از آن‌ها فرامی‌رویم. در این حوزه اسـت که ما راه‌های جدیدی را برای زندگی، تجربه و اندیشـه جست‌وجو می‌کنیم. فراغت حوزه‌ای نه‌تنها برای کامروایی و استراحت فردی، بلکه همچنین برای آزمایشگری، شکستن قواعد و جست‌وجوی بیکرانه‌هاست.

در ادبیـات موضـوع، تلاش شـده تا فراغـت به‌عنوانِ پیونـدی اجتماعی معرفی شـود کـه می‌تواند جایگزین کار شـود. فکر نمی‌کنم کـه این موضع معقول باشـد. فراغت می‌تواند درون خانـواده یا گروه‌های اجتماعی به‌عنوانِ پیوندی اجتماعی عمل کند، اما برای آنکه چسبی باشد که جامعه را گرد هم نـگاه می‌دارد، بایـد خصلت خود را به‌عنوانِ بازی یا تفریح از دسـت دهد و بـه ایدئولـوژی، دین یا جزم بدل شـود. من بـاور دارم، و دلایلی به نفع چنین بـاوری در تحلیل‌هـای مربـوط بـه موقعیت‌های گذشـته و حـال می‌یابم که گردهم‌آمدن از طریق کار به همراهِ داشـتن فرصتی برای آزمایشگری، کاوش و نوآوری در فراغت گزینهٔ بسیار راحت‌تری در مقایسه با این گزینه است که با فراغتی که به یک آموزه بدل شـده، یکپارچگی اجتماعی خود را به دسـت آوریم؛ مانند آنچه در گذشـته در برنامه‌هایی چون «قدرت از طریق لذت[1]» در آلمان یا دوپولاوورو[2] در ایتالیا دنبال شده است.

کار و فراغـت درهـم تنیده‌انـد، اما همچنان که کاسـتور[3] و پولاکس[4] در اسطوره‌های یونانی نشان داده‌اند، خاستگاه‌های متفاوتی دارند و کارکردهای متفاوتـی را ایفا می‌کننـد. کار و فراغت هر دو در معـرض تعارض‌ها و زوال

۱. *Kraft durch Freude*؛ سازمان امور فراغت و سرگرمی در دوران آلمان نازی. ـم

۲. *Dopolavoro*؛ سازمان امور فراغت و سرگرمی فاشیستی در ایتالیا، دوران موسولینی. ـ م

3. Castor

4. Pollux

درونی‌انـد. کار همـواره ما را گرد هم نـگاه نمی‌دارد. هنگامی‌کـه کار آزادانه نیسـت، تنش ایجاد می‌کند. کار می‌تواند غیرقابل‌تحمل شود و به‌جای آنکه همچون نوعی پیوند اجتماعی عمل کند، داشـته‌ها را در برابر نداشـته‌ها قرار دهد. فراغت به‌جای آنکه خلاقانه و نوعی جسـت‌وجوی امور جدید باشـد، می‌توانـد به‌نوعـی انـزوای همراه با تـرس و آزردگـی بدل شـود. هنگامی‌که کار فرومی‌ریـزد، آشـوب پدیـد می‌آیـد. هنگامی‌کـه فراغـت در شـکلی از ایمـان یا ایدئولـوژی تصلب پیدا می‌کنـد، آزادی خود را از دسـت می‌دهد. وضعیت‌های افراطی جوهره‌ها را نابود می‌کنند.

در گذشـته، کار اغلب به‌عنوان یک رسـالت[1] و فراغت به‌عنوانِ یک گناه معرفـی می‌شـد. امـروزه، کار به‌کرات همچـون زحمت و فراغـت همچون رهایی تصویر می‌شـود. من این‌طور فکر نمی‌کنم. قطبی‌سـازی نگرش‌های اجتماعـی نسـبت بـه کار و فراغـت و دوگانه‌سـازی مفهومی آن‌هـا ارزیابی واقع‌گرایانـهٔ رابطـهٔ پیچیدهٔ میان آن‌ها را دشـوار می‌کند. در ایـن اثر، خواهم گفـت کـه مرزهای به‌زیسـتی *میان* فراغت و کار ترسـیم نمی‌شـوند، بلکه از درون آن‌ها می‌گذرند.

نکتهٔ دوم به بهره‌گیری‌ام از چشم‌اندازی تاریخی در تحلیل نقش کار و فراغت بازمی‌گردد. هنگام نگارش کتاب، اتفاقی را به یاد می‌آوردم که در دههٔ ۱۹۷۰، هنگامی که در دانشگاه واترلو، نظریهٔ جامعه‌شناختی درس می‌دادم، برایم رخ

---

۱. vocation؛ این واژه ازریشهٔ لاتین *vocare* گرفته شده و در سنت مسیحی، به معنای فراخوانی و احضار برای انجام وظیفهٔ الهی اسـت. به عبارت دیگر، فرد هنگام انجام شـغلش، در واقع به فراخوان خداوند پاسـخ می‌دهد و وظیفهٔ الهی خود را به انجام می‌رساند. هم vocation و هم واژه‌ای مترادف برای آن یعنی calling طـی دورهٔ اصـلاح دینـی و پـس از آن به‌تدریج تغییراتی معنایی را پشتِ‌سـر گذاشـتند و دلالـت الهیاتی آن‌ها کمتـر مـورد توجـه قرار گرفت. معنای سـکولار امروزی یعنی «حرفه» یا «پیشـه» در قرن بیسـتم تثبیت شـده اسـت. نویسـنده در فصل‌های آتی گاه به این تغییرات معنایی اشـاره خواهد کرد. ترجمه کردنِ vocation و calling در انگلیسی (و معادل آن‌ها در آلمانی یعنی *Beruf*) به یک واژهٔ واحد در زبان فارسی به شکلی که تمامی معانی ضمنی کهن و معاصر را در بر داشـته باشـد، عملًا ناممکن اسـت. در این کتاب، معادل «پیشه» بـرای معنـای معاصـر بـه کار خواهد رفت. در مـورد معنای الهیاتی کهن، از واژهٔ «رسـالت» اسـتفاده خواهد شـد. در برخـی مـوارد که نویسـنده به معنـای دوگانـهٔ vocation در آراء لوتر و کالون اشـاره می‌کند، عبارت «رسالت/پیشه» به کار خواهد رفت. ـ م

داد. هنگام خواندن ارزیابی دانشجویان به جمله‌ای برخوردم که هنوز آن را کاملاً به خاطر می‌آورم. یکی از دانشجویان نوشته بود: «استاد کاملاً بااطلاع است و به موضوعی که درس می‌دهد، علاقهٔ زیادی دارد، اما وقتی درسی دربارهٔ انسان‌هایی است که مُرده‌اند، چگونه می‌توان درس را جذاب کرد؟»

بخشی از این اثر دربارهٔ «انسان‌های مُرده» است. به‌نظرم، آن‌ها زنده بوده‌اند و هستند، اگر چه همچنان که سعی می‌کنم نشان دهم نحوهٔ تفسیر نظرات آن‌ها در کتاب‌های درسی دربارهٔ فراغت (و نه‌فقط این کتاب‌ها) باعث می‌شود که اغلب دیدگاه‌های آن‌ها ساده و «مومیایی» شود. تغییرات در ارزیابی ما از کار و فراغت تابلوهای راهنمای مهمی دربارهٔ تاریخ اجتماعی و فکری بشریت‌اند. این ارزیابی به‌خودیِ‌خود توجه متفکران عصر باستان، قرون میانه، دورهٔ نوزایی، قرن‌های نوزدهم و بیستم و امروزه را به خود جلب کرده است. سعی می‌کنم نشان دهم نقشی که در طول تاریخ به کار و فراغت داده می‌شده، نکات زیادی را دربارهٔ مسائلی که امروزه با آن‌ها مواجهیم و احتمالاً فردا با آن‌ها مواجه خواهیم بود، به ما خواهد آموخت. بنابراین، اجازه دهید در این خصوص از یکی از آن انسان‌های «مردهٔ» گذشته، یعنی میشل مونتنی[1] که آراء او در این کتاب بررسی شده، نقل‌قول کنم:

> در گفت‌وگو با افرادی که در صفحات تاریخ زندگی می‌کنند، می‌توان با خواندن کتاب‌ها، با ارواح بزرگ و قهرمانِ بهترین اعصار گفت‌وگو کرد. این کار ممکن است نزد کسانی که آن را با مسامحه انجام می‌دهند، مطالعه‌ای بی‌ثمر و پوچ به‌نظر رسد، اما برای کسانی که آن را با مراقبت و ملاحظه انجام می‌دهند، مطالعه‌ای فوق‌العاده مثمرثمر و باارزش است. ...بگذارید مدیر به یاد بسپرد که نباید همان اندازه که به دانشجویان الزام می‌کند شیوهٔ رفتار

1. Montaigne

هانیبال [سردار کارتاژی] و اسکیپیو [سردار رومی] را بیاموزند، تاریخ سقوط کارتاژ را حفظ کنند. ...بگذارید او بیشتر به قضاوت کردن دربارهٔ تاریخ بپردازد تا آنکه بخش‌های روایی آن را آموزش دهد (پوشهٔ ۳، ۹).

گفته شده که تاریخ اسرار خود را فقط برای کسانی می‌گشاید که از حال شروع کنند (نیزبت)، و نیز گفته شده کسانی که نمی‌توانند گذشته را به خاطر بیاورند، محکوم به تکرار آن‌اند (سانتایانا[1]). این کتاب با علاقه به حال و نیز به آینده شکل گرفته و اگر به گذشته رو می‌کند، این کار را برای جست‌وجوی عناصر حقیقت و فهمی انجام می‌دهد که می‌توانند برای موقعیت حال و احتمالاً آیندهٔ ما نیز به کار گرفته شوند.

تمایل دارم این مقدمهٔ مختصر را با کلماتی از بلیز پاسکال[2] به پایان ببرم، نویسندهٔ دیگری که دیدگاه‌هایش در این کتاب بررسی خواهد شد. او دربارهٔ خواننده‌ای می‌نویسد که در یک کتاب، هنگامی‌که انتظار دارد با نویسنده‌ای مواجه شود، مردی را می‌یابد. آرزو می‌کنم که این کلمات بتوانند به این کتاب نیز بسط یابند.

منابع

—Berger, B. (1963) *The Sociology of Leisure: Some Suggestions. In E. O.Smigel (Ed.), Work and Leisure: A Contemporary Social Problem*. New Haven, CT: College and University Press, pp. 21–40.

—Montaigne, M. (2016/1580) *Essays of Michel Montaigne*. Project Gutenberg eBook.

—Nisbet, R. (1966) *The Sociological Tradition*.New York: Basic Books.

—Pascal, B. (1958/1670) *Pascal's Pensées*. New York: E.P. Dutton & Co. Gutenberg eBook.

—Santayana, G. (1905) *Reason in Common Sense*. Charles Scribner's Sons.

1. Santayana
2. Pascal

بخش ۱
فراغت، کار و به‌زیستی از منظری تاریخی